

درس چهارم

بخش دوم: مسائل اخلاق

چنانکه گذشت، علم اخلاق در یک نگاه به دو بخش تقسیم می‌شود؛ مبادی و مقدمات اخلاق و مسائل اخلاق. آنچه تا اینجا تقدیم گردید، مطالب مربوط به مبادی و مقدمات اخلاق بوده است. در بخش دوم؛ یعنی بخش مربوط به مسائل اخلاق، از فضائل و رذائل اخلاقی، از منظر امام خمینی و تبیین و توضیح فضیلت‌های اخلاقی، با خوانش ایشان، بحث خواهد شد.

مؤمن سالک اگر فضائل و رذائل اخلاقی را اولاً بشناسد و ثانیاً جان خود را آراسته به فضائل و پیراسته از رذائل نماید، در واقع تخلق به اخلاق الله پیدا کرده و کوشیده تا مقام «خلیفه الهی» را در بخش اخلاق تحقق بخشد و انسان مطلوب در نگاه الهی آن است که در عقیده موحد باشد و در اخلاق متخلق به اخلاق الهی باشد و در عمل به بایدها و نبایدهای شرعی التزام داشته باشد.

اخلاص

«اخلاص» داشتن در مقام بندگی اساسی‌ترین و مؤثرترین شرط می‌باشد، به گونه‌ای که اگر اخلاص در عمل بنده‌ای باشد، او زمینه نیل به مقامات معنوی و بهره‌مندی از نعمات الهی را فراهم کرده است؛ اما اگر اخلاص در میان نباشد، همه چیز هبط می‌شود و نابود می‌گردد و دیگر نوبت به بحث‌های دیگر نمی‌رسد. امام خمینی تعریف‌های متعددی از صاحب‌نظران اخلاق و سلوک نقل می‌کند که هر کدام در بردارنده نکته و سطحی از حقیقت اخلاص است:

اخلاص صافی نمودن عمل است از هر خلطی. و این اعم است از آن که شوب به رضای خود داشته باشد. یا شوب به رضای مخلوقات دیگر ... گفته شده است که آن پاکیزه نمودن عمل است از اینکه از برای غیر خدا در آن نصیبی باشد... و گفته شده که آن این است که اراده نکند عامل آن، عوضی برای آن در دو دنیا ... مخلصان آنها هستند که عبادت خدا کنند، به طوری که نبینند خود را در عبودیت او و نه عالم و اهل آن را، و تجاوز نکنند از حد عبودیت در مشاهده ربوبیت ... تا رسم عبودیت و غیریت و انانیت باقی است و عابد و معبود و عبادت و اخلاص و دین در کار است، شوب به غیریت و انانیت است، و این شرک است پیش ارباب معارف. عبادت اهل خلوص، نفشه تجلیات محبوب است و در قلب آنها جز ذات حق واحد راه ندارد.^۱

امام خمینی در مقام تعریف گوهر یکتا و اکسیر بی‌نظیر اخلاق، از خواجه عبدالله انصاری، شیخ بهایی نقل

۱. شرح چهل حدیث، ص ۳۲۸ - ۳۲۹.

کرده تا به نقل و تبیین تعریف محی‌الدین عربی رسیده و چنانکه اشاره شد در این بحث بنای بر رد و قبول ندارند بلکه اخلاص را دارای درجات و مخلصین را دارای مراتب می‌دانند و همه آن را برای اهلس مقبول و مطلوب می‌دانند. اما باید توجه داشت که مرتبه ضعیف ولی لازم اخلاص آن است که بنده در کارهای خود کسی و چیزی غیر خداوند و رضایت او و نیل به قرب او را در نظر نداشته باشد.

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: **فَمَنْ كَانَ لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا**^۲؛ کسی که امید به لقاء پروردگار خویش را داشته باشد، باید عمل صالح انجام دهد و در عبارت پروردگار خود کسی را شریک نگیرد.

البته باید توجه داشت که لزوم داشتن اخلاص در کارها، با انگیزه داشتن منافات ندارد، یعنی اگر انسان مؤمنی برای نجات از عذاب آخرتی و یا برخوردارگی از نعمت‌های بهشتی، عبادات خالصانه انجام دهد و با اخلاص از معاصی اجتناب کند، چنین انگیزه‌هایی مضر به اخلاص در کارها، نمی‌باشد. چرا که مقابل فضیلت «اخلاص» رذیلت «ریا» می‌باشد که آن را از مراتب شرک نامیده‌اند.

اخلاص بعد از عمل

کمال اخلاص و اخلاص کامل تنها به هنگام انجام عمل محدود نمی‌باشد، بلکه انسان با اخلاص، کارهایش را برای تحصیل رضای الهی و نیل به قرب حق تعالی انجام می‌دهد و پس از انجام عمل صالح، نیت خالص خود را استمرار می‌بخشد.

اخلاص پس از انجام اعمال صالح و استمرار اخلاص، از چنان اهمیت و ارزش معنوی برخوردار است که در احادیث معصومین(ع) از اصل اخلاص به هنگام انجام عمل صالح سخت‌تر و دشوارتر معرفی شده است. روایت شده که امام باقر^۷ فرمودند: «الابقاء علی العمل أشد من العمل. قال: و ما الابقاء علی العمل؟ قال: یصل الرجل بصله و ینفق نفقة لله وحده لا شریک به، فکتب له سرّاً؛ ثم یذکرها، فتمحی فکتب له علانیه، ثم یذکرها فتمحی فکتب له ریاء»^۳؛ باقی ماندن بر عمل (حفظ کردن عمل صالح) دشوارتر از انجام آن است! راوی پرسید: باقی ماندن بر عمل یعنی چی؟ امام^۷ در پاسخ فرمودند: مثلاً شخص صله رحم انجام می‌دهد و یا انفاق می‌کند و این اعمال را فقط به خاطر خداوند یکتا انجام می‌دهد (و هیچ ریا نمی‌کند) آن عمل صالح برای او به عنوان عمل صالح سرّی ثبت می‌شود (و پاداش عمل صالح پنهانی دارد) اما بعداً انجام آن عمل صالح را برای دیگران بازگو می‌کند، سرّی بودن عمل محو می‌شود و به عنوان عمل صالح علنی و آشکار در نامه اعمال او ثبت

۲. سوره کهف(۱۸): ۱۱۰.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۶.

می‌گردد. برای بار دیگر انجام آن عمل صالح را ذکر می‌کند، که از نامه اعمال او محو می‌شود و در عوض ریا ثبت می‌گردد.

از آنجایی که آفریدگار حکیم انسان بهره‌مند از عقل و فطرت و برخوردار از فهم و نطق و بیان را، آزاد و مختار آفریده او تا در نشئه دنیا باشد در معرض تغییر و تبدیل و انتخاب‌ها و اختیارهای گوناگون و متنوع می‌باشد؛ یعنی وسوسه‌های شیطان و نفس اماره او را رها نمی‌کند، به همین خاطر نباید تصور شود که اگر عملی در هنگام انجام با نیت خالص انجام شده، دیگر از دسترس شیطان دور و از خطرات محفوظ است، چنین نیست، چرا که «دنیا» دار امتحان و محل تغییر و تبدیل است و مواظبت و مراقبت دائمی باید دغدغه سراسر عمر سالک صادق إلی‌الله باشد. امام خمینی (س) درباره اهمیت اصل اخلاص و نیز استمرار آن می‌گوید:

بباید دانست که تخلیص نیت از تمام مراتب شرک و ریا و غیر آن، و مراقبت و ابقاء بر آن، از

امور بسیار مشکل و مهم است؛ بلکه بعضی آن جز برای خلص اولیاءالله میسر و میسر نیست.^۴

ایشان سرّ دشوار بودن خلاصی از مراتب عالی ناخالصی اعمال را چنین بیان می‌کند:

زیرا که نیت عبارت است از اراده باعثه به عمل، و آن تابع غایات اخیره است؛ چنانچه این غایات تابع ملکات نفسانیه است که باطن ذات انسان و شاکله آن را تشکیل دهد. کسی که دارای حب جاه و ریاست است و این حب ملکه نفسانیه و شاکله روح او شده است، غایت آمال او رسیدن به آن مطلوب است، و افعال صادره از او تابع آن غایت است و داعی و محرک او همان مطلوب نفسانی است و اعمال او برای وصول به آن مطلوب از او صادر گردد. مادامی که این حب در قلب اوست، عمل او خالص نتواند شد ... بلکه مادامی که انانیت و خودخواهی و خودبینی در کار است، اگر برای تحصیل معارف و کمالات روحیه نیز اقدامی کند یا قدمی زند، برای خود و نفسانیت خویش است؛ و آن نیز خودخواهی است نه خداخواهی، و معلوم است خودخواهی و خداخواهی با هم جمع نشود، بلکه اگر خدا را خواهد، برای خود خواهد و غایت مقصد و نهایت مطلوب خود در نفسانیت است.^۵

اخلاص که درخشش و تأثیرگذاری برجسته‌ای در میان فضائل نفسانی دارد، در برابر رذیله «ریا» قرار دارد. اگر اخلاص مرکب معراج سالک است، ریا محل سقوط و نابودی بنده و اعمال او است. امام خمینی (س) که خود معلم اخلاق و مربی نفوس بوده، رذیله ریا را چنین تعریف کرده است:

^۴ شرح چهل حدیث، ص ۳۳۰.

^۵ شرح چهل حدیث، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

ریا عبارت از نشان دادن و وانمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصال پسندیده یا عقاید حقه است به مردم، برای منزلت پیدا کردن در قلوب آنها و اشتهار پیدا کردن پیش آنها به خوبی و صحت و امانت و دیانت، بدون قصد صحیح الهی.^۶

از تعریف و توصیف ریا در کلام حضرت امام فهمیده می‌شود که ایشان ریا را تنها در اعمال محدود نمی‌داند، بلکه همان‌گونه که اسلام مجموعه کامل و به هم پیوسته عقائد حقه، اخلاق فاضله و اعمال صالحه می‌باشد؛ رذیله ریا در عرصه عقاید و اخلاق، به مانند عرصه اعمال، جریان دارد؛ یعنی اگر مؤمنی عقاید حقه خود را بدون قصد صحیح به دیگران نشان دهد تا از او تعریف و تمجید کنند، ریاکار خواهد بود و آفات و خسارت‌های ریا دامن‌گیر او خواهد بود. همچنین اگر اخلاق نیکوی خود را به همین صورت بنمایاند تا به به و چه چه بشنود، ریاکار به حساب خواهد آمد.

نکته مهم دیگری که ایشان در تعریف ریا افزوده‌اند؛ قید «بدون قصد صحیح الهی» است. یعنی اگر نمایانند و تظاهر به خوبی در عقاید، اخلاق و اعمال با قصد ضربت و برای رضای خدا و هدفی الهی باشد، چنین تظاهر و نشان دادنی ریا نخواهد بود. مانند اینکه شخص برای تشویق دیگران و یا تعلیم آنان کارهای صالح خود را به آنها نشان دهد و یا به گوش آنها برساند تا آنها هم چنین شوند و یا آن کارها را یاد گیرند؛ این عمل با چنین قصد و نیتی ریا مذموم و حرام نمی‌باشد.

درمان رذیله ریا

امام خمینی راهی برای درمان بیماری مهلک و ایمان‌سوز و عمل برباد ده ریا ذکر می‌کند که توجه به آن سالک را به مقام اخلاص رهنمون می‌شود و از صفت ناپسند ریا و تظاهر و خودنمایی، نجات می‌دهد. ایشان می‌گوید هم از طریق برهان حکما و هم با مکاشفات اولیاء و عرفا و هم بر اساس کتاب خدا قرآن و احادیث و اخبار معصومین: که مورد تصدیق عقل همگان نیز هست؛ ثابت می‌باشد که خداوند متعال به واسطه احاطه قدرتش در جمیع موجودات، قلوب بندگان کاملاً تحت تصرف در حوزه نفوذ او تبارک و تعالی است و هیچ کس دیگر، بدون اذن و اجازه قیومی و تکوینی او نمی‌تواند تصرفی در قلوب انسان‌ها داشته باشد، و حتی صاحبان قلوب هم بدون اذن و تصرف حق تعالی، نمی‌توانند در قلوب خود تصرف کنند. وقتی حقیقت این است، ریا و سالوس بنده برای جلب قلوب عباد و قدر و منزلت یافتن در چشم دیگران با این تظاهرها و خودنمایی‌ها، کاملاً بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌باشد. و حتی موجب رسوایی ریاکاران و چنین متظاهرین دورو می‌شود.^۷

۶. شرح چهل حدیث، ص ۳۵.

۷. ر.ک: شرح چهل حدیث، ص ۴۰.

راه نجات و رهایی و درمانی که امام خمینی نشان دادند و حقیقتی را که تبیین کردند، برای توجه دادن به آنانی است که از آغاز بندگی و سیر و سلوک و خودسازی روحی و معنوی، نمی‌خواهند گرفتار ریا شوند و یا اگر مبتلا به آن شده‌اند، می‌خواهند از این دام شیطانی نجات یابند؛ چنین سالکان خواهان نجات و طالب سعادت، باید با تأمل، این حقیقت را در نفس خود ترسیم و به خود تلقین کنند تا از کار بیهوده و بی‌فایده ریا و سمعه نجات یابند و اهل بندگی و سلوک خالصانه و از سراخلاص گردند.